

# کارنامه انتفاضه و آینده آن

## علی محمد بشارتی

از روزی که ژنرال اریل شارون نخست وزیر فعلی رژیم صهیونیستی با رفتن به مسجد الاقصی و اظهارات زشت وی، خشم خروشان مردم مسلمان فلسطین را سبب شد، مبارزات مردم مظلوم و مبارز فلسطین وارد مرحله تازه‌ای شد که به «انتفاضه مسجد الاقصی» شهرت یافت. اغلب این مرحله از مبارزات را انتفاضه می‌گویند.

مردم فلسطین سالیهای طولانی طعم تلخ تهاجمات روزانه دژخیمان رژیم صهیونیستی را دیده‌اند. از سال ۱۹۴۸ یعنی ۵۴ سال پیش که دست استکبار جهانی رژیم صهیونیستی را بسان خاری در چشم مردم منطقه فرو کرد تا امروز مردم فلسطین هرگز یکروز بدون شکل سپری نکرده بودند.

اظهارات نحیف و زشت شارون پرده از اهداف دراز مدت استکبار برداشت و تشکیلات خودگردان که فریب و خدعه‌ای بیش نبود را بر همگان روشن کرد.

ملت رنج‌دیده فلسطین که حاصل مبارزات خود را در «مذاکرات» از بین رفته می‌دیدند بناچار دست به مبارزه رودررو، بی‌امان، بدون

انعطاف و بدور از رهبری رهبران سازشکار خود شروع کردند. انتفاضه چرت استکبار را پاره کرد. انتفاضه خشم فرو خورده مردم

فلسطین را آزاد کرد. انتفاضه قدرت واقعی مردم فلسطین را نشان داد. انتفاضه ناتوانی و ضعف اسرائیل و حامیانش را برملا ساخت و خلاصه انتفاضه حاصل مذاکرات ذلت‌بار رهبران سازشکار را به باد داد. بدیهی است اگر کشتار فلسطینی‌ها خاتمه یابد انتفاضه متوقف نمی‌شود. چون انتفاضه بخاطر کشتار مردم فلسطین آغاز نگردید تا بخواهد بخاطر توقف آن پایان پذیرد. انتفاضه در حقیقت هویت واقعی مردم فلسطین است. پس از جدی بودن انتفاضه و انعطاف‌ناپذیری آن و خطر جدی که استکبار از بیداری مردم مسلمان فلسطین بخصوص از بیداری جوانان فلسطین احساس می‌کرد، بر آن شد تا با کشتار وسیع و تخریب گسترده بلکه بتواند مهار کند. اما این تلاش‌ها بیهوده بود. کشتار وحشیانه در اردوگاه جنین چهره واقعی رژیم صهیونیستی و حامیانش را برملا ساخت برای پرداختن به کارنامه انتفاضه و آینده آن یک بررسی اجمالی از گذشته یهودیان محارب در سقال پرداخته‌ایم و به نتایج انتفاضه که پیروزی قطعی است اشاره کرده‌ایم:

وَلْتَجِدْنَ آثَدَةَ النَّاسِ عِدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ  
وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا



این تصویر روشن است از یهود که قرآن کریم فرا روی ما قرار داده است. از آنجائیکه قرآن می‌فرماید: مسلمانان دشمنان زیادی دارند. در این مورد، بحثی نیست. اما دشمن‌تر و یا سرسخت‌ترین دشمنان مسلمانان، صهیونیست‌ها هستند. بعد از صهیونیست‌ها، استکبار جهانی در راس دشمنان مسلمانان قرار دارند. این به لحاظ اعتقادی. اما از نظر سیاسی هم باید موضوع را شکافت تا صهیونیست‌ها را آنگونه که هستند بازشناسیم. از آغاز ظهور اسلام، بخصوص پس از هجرت پیامبر به مدینه، خصومت این قاعده نیز قابل تغییر است بنابراین پرداختن به آن، راهبردی است. یهود (صهیونیسم) به دو صورت بروز و ظهور پیدا کرد:

۱- در تمامی جنگهایی که مشرکین قریش با مسلمانان داشتند یهودی‌ها بصورت فکری و یا تدارکاتی سهم زیادی بعهد گرفته بودند. در جنگ بدر که در ۱۹ رمضان سال دهم هجری بین مکه و مدینه بین مشرکین و بت‌پرستان قریش روی داد کارهای اطلاعاتی، خبرچینی، ناامن کردن خطوط تدارکاتی و ارتباطی مسلمانان، بعهد یهودیان بود.

همین‌ها بودند که ابوسفیان را از حضور مسلمانان در بدر آگاه کردند. ابوسفیان نیز مسیر را عوض کرد و از بیراهه خود را به مکه رساند. سپس جنگ بدر آغاز گردید.

مشرکین با سه هزار عنصر خونخوار بمنظور نابود کردن اسلام و اشغال مدینه به راه افتادند. در این جنگ مسلمانان بشدت شکست خوردند. ۷۰ نفر از مسلمین به شهادت رسیدند که در راس آنها عموی پیامبر حضرت حمزه علیه‌السلام بود...

در جنگ خندق و یا احزاب نقش تخریبی یهودیان معاند و محارب روشن است که پرداختن به آنها به فرصت جداگانه‌ای نیاز است.

۲- جنگهایی که مستقلاً یهودیان اطراف مدینه با مسلمانان به راه انداختند که خود بحث جداگانه است در جنگ خندق، یهودیان مدینه، کمک‌های شایان اطلاعاتی در اختیار مشرکین قرار دادند. علاوه بر آن، آنها بعنوان ستون پنجم بت پرستان قریش ماموریت یافته بودند تا از پشت بر سپاه اسلام بتازند و در مدینه ناامنی ایجاد کنند. اموال مردم را به سرقت ببرند و به جنگ روانی دل مسلمانان را از قدرت زیاد مشرکین قریش پر کنند.

قدرت یهودیان بنی‌نضیر را می‌توان در آیه دوم سوره مبارکه حشر مشاهده کرد. آنجا که می‌فرماید:

مَا ظَنَّمْ أَنْ يُخْرِجُوا وَ طَنُّوا أَنَّهُمْ مَا نَعْتَهُمْ  
حَصُوتُهُمْ مِنْ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ  
يُحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِجُونَ  
بَيَّوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا  
أُولِي الْأَبْصَارِ



جنگ اُحَد که در هفتم شوال سال سوم هجری در نزدیکی‌های مدینه روی داد تمام اطلاعات جاسوسی از وضع مسلمانان را یهودیان «بنی‌قریظه» و «بنی‌نضیر» و «بنی‌قینقاع» در اختیار ابوسفیان قرار دادند.

جنگ جهانی اول بقدری گسترده و صف  
کشته‌ها به اندازه‌ای طولانی شد که بعد از  
جنگ هیچکس ب فکر تنبیه «صهیونیزم»  
بر نیامد.

در بدو امر مبارزه و جنگیدن با یهود بنی‌نضیر  
آسان نمی‌نمود. آنها از امکانات بسیار زیادی  
برخوردار بودند. بخصوص جوانان سلحشور،  
امکانات تسلیحات فراوان، ساز و برگ نظامی  
مدرن، انبارهای تدارکاتی بیشمار و از همه  
مهمتر اینکه آنها در قلاع و استحکامات  
نیرومند می‌خواستند دفاع کنند ولی مسلمانان  
قصد تهاجم به آنها را داشتند قرآن کریم این  
امکانات را خلاصه می‌کند:

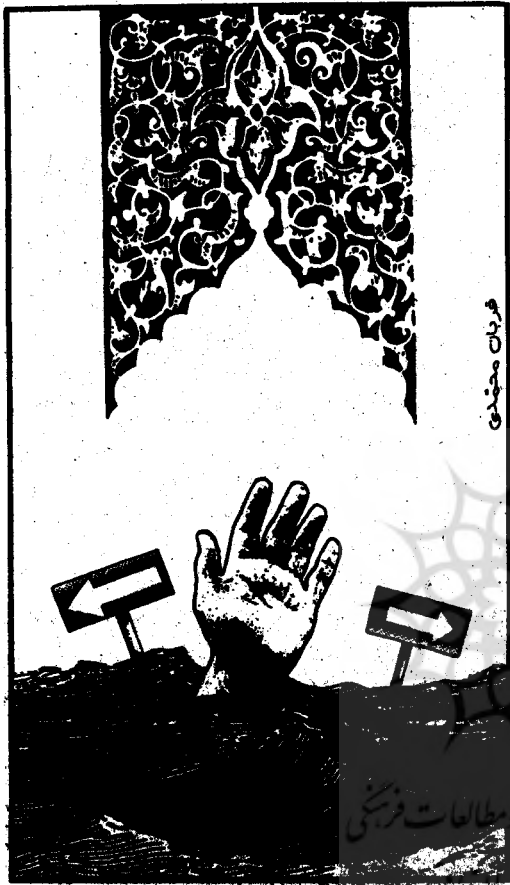
مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنَوْنَا أَنَّهُمْ مَا نَعْتَهُمْ  
حَصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ ...

شما تصور نمی‌کردید بتوانید آنها را شکست  
دهید. خود آنها هم می‌پنداشتند که  
آسیب‌ناپذیرند... اما با توکل به خدا و با  
امدادهای الهی آنها شکست سختی خوردند و  
تمامی امکانات آنها به دست مسلمانان افتاد و  
این مرکز توطئه و تحریک هم تعطیل شد.

جنگهای خیبر و بنی‌قریظه و دیگر جنگ‌ها  
را مسلمانان برای تنبیه یهود و تعطیل کردن  
لانه‌های جاسوسی که دائماً بنفع بیگانگان  
خبرچینی و جاسوسی می‌کردند شروع کردند.

در تمامی این جنگها، یهود بهای خیانت‌های  
خود را پرداختند و بشدت شکست خوردند.

در طول تاریخ هیچ توطئه‌ای بدون شرکت و  
یا کارگردانی صهیونیزم روی نداده است.  
یهود بیشترین مشکل را برای اروپائیان در  
جنگ جهانی اول ایجاد کرد. در اثنای جنگ  
سران اول اروپایی تصمیم گرفتند پس از  
جنگ یهودیان را تنبیه کنند. اما خسارت‌های



در جنگ دوم جهانی «صهیونیزم» گاهی بنفع  
دول محور و زمانی بنفع متفقین کار می‌کرد.  
در آغاز که دول محور به پیشرفت‌های سریع  
و زیادی در اروپای غربی و شرقی بدست  
آورد متحد نزدیک هیتلر بود. هیتلر بعضی از  
مشاورین برجسته خود را از صهیونیست‌ها  
قرار داد تا از حمایت‌های آنها بیشتر

برخوردار شود اما پس از آنکه آمریکا به کمک دول اروپایی وارد جنگ شد یهود بلافاصله تغییر جهت داد و امکانات خود را در اختیار متفقین قرار داد.

## تشکیل رژیم صهیونیستی

جنگ جهانی دوم با شکست هیتلر و تسلیم باقیمانده نازیسم و تسلیم بی‌قید و شرط ژاپن پایان یافت. متفقین که سرمست از باده پیروزی بود و قصد داشت زهرچشمی از مسلمانان بگیرد تا بار دیگر اتحادیه‌ای بر علیه خود از مسلمانان مشاهده نکند، در سرزمین مقدس فلسطین تشکیل رژیمی از صهیونیزم را در سال ۱۹۴۸ اعلام کرد. تشکیل این حکومت در قلب دول اسلامی به دو منظور انجام شد:

### ۱- تشکر از صهیونیزم

از آنجائیکه نقش صهیونیست‌ها در شکست دول محور محسوس بود، لذا دول فاتح تصمیم گرفتند با ایجاد رژیم صهیونیستی هم از یهودیان تندرو و نژادپرست تقدیر و تشکری کنند و هم شر آنها را در اروپا ریشه‌کن کنند و از ناحیه آنها جمعیت خاطر پیدا کنند.

### ۲- تنبیه مسلمانان

از همان آغاز که دولت‌های استکباری متوجه شدند دیگر دوران سلطه مستقیم بر کشورهای اسلامی مقرون به صرفه نیست مبارزات بی‌امان مسلمین برای استقلال فرصتی برای سلطه‌گری به استکبار را

نمی‌دهد تصمیم گرفتند با تشکیل «رژیم نامشروع صهیونیستی» بین کشورهای اسلامی اولاً: از وحدت آنها شدیداً جلوگیری کنند.

ثانیاً: چون این دولت نماد استکبار مدرن است با مسلح کردن این رژیم باعث شوند تا «بخش قابل ملاحظه‌ای» از بودجه کشورهای اسلامی صرف تهیه اسلحه شود.

ثالثاً: از آنجائیکه «رژیم صهیونیستی» همواره باید تفوق چشمگیر بر همسایگان مسلمان خود داشته باشد زمینه نزدیک شدن کشورهای اسلامی با دول استکباری بیشتر فراهم شود. این کشورها از ترس رژیم صهیونیستی به دامن دشمنان اسلام پناه ببرند.

رابعاً: این رژیم را وادارند که علی‌الدوام به کشورهای منطقه تجاوز کند. هم و غم دولت‌های اسلامی دفع این تجاوزات دائمی شود. در آنصورت مسلمانان اهداف شوم استکبار جهانی را فراموش کنند و فقط به اسرائیل توجه کنند...

بنظر می‌رسد که استکبار در تمامی اهداف خود تا اینجا موفق بوده است.

### جنگ ۱۹۶۷

در جنگ برق‌آسا و خطرناکی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بر علیه اعراب آغاز کرد و در کمتر از یک هفته شروع شد و خاتمه یافت، رژیم صهیونیستی شکست بسیار سختی به کشورهای عربی بخصوص به ارتش مصر وارد آورد. ژنرال موشه دایان تمامی صحرای سینا را در مدت سه روز به تصرف درآورد و

خود را به آبراه سوئز رساند سپس باریکه اردن را با شکست ارتش اردن تسخیر کرد سپس بخشی از قوای ارتش صهیونیستی بلندی‌های جولان را با شکست سوریه به اشغال درآورد...

### **توطئه پیشنهاد آتش‌بس و پذیرش مشکوک آتش‌بس توسط اعراب**

قوای صهیونیستی با تصرف چندین برابر خاک خود نیروهایش در یک سرزمین ناشناخته گسترش داد. این قوای تجاوز الف. نه منطقه را می‌شناخت. ب. نه استقرار در آن مناطق داشت ج. و نه نیرویی داشت تا بتواند از بخش‌های اشغال شده پاسداری کند. د. و مهمتر اینکه نیروهای عمل‌کننده خسته و فرسوده باید با نیروهای تازه نفس تعویض می‌گردیدند. و چنین نیرویی در اختیار رژیم صهیونیستی نبود.

لذا همان دولتی که منافع نامشروع خود را در تشکیل «رژیم صهیونیستی و تقویت آن» می‌دیدند سرعت دست بکار شدند و با سرعت زیاد «قطعه‌نامه ۲۴۲» را در شورای امنیت به تصویب رساندند. این قطعه‌نامه هیچگونه سودی جز «تجدید قوای رژیم صهیونیستی و استقرار در مناطق اشغالی» برای کشورهای اسلامی نداشت.

### **پذیرش آتش‌بس**

متأسفانه اعراب بدون در نظر گرفتن اثرات تخریبی این قطعه‌نامه آنرا پذیرفتند. در پذیرش «قطعه‌نامه ۲۴۲» سهم دولت انگلیس از دیگر

کشورها، بیشتر بود. چون انگلیس بانی اولیه تشکیل دولت صهیونیستی است در این قطعه‌نامه آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی و چین تاییه نقش داشتند (البته قبل از جمهوری خلق چین رژیم دست‌نشانده «چیان کاجی چک» در تاییه را عضو دایم شورای امنیت درآورده بود).

پس از پایان آتش‌بس کشورهای عربی در بدر بدنبال دولت‌هایی بودند که آنها را به امید «عقب‌نشینی اسرائیل» تشویق به پذیرش آتش‌بس کرده بودند. دریغ که کوشش آنها بی‌فایده بود. حتی «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» از شکست اعراب شدیداً خوشحال شدند و از پذیرش آتش‌بس بیشتر مسرور گشتند چون بقول وایزر اگر سران شوروی برای اولین بار و با هم از صمیم قلب خندیدند پس از شکست اعراب در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ بود...

### **نتایج شوم آتش‌بس**

از آن تاریخ تا امروز ۳۵ سال می‌گذرد. در این مدت طولانی اسرائیل هر روز قوی‌تر و اعراب روزبه روز ضعیف‌تر شده‌اند و بدیهی است که این ضعف روزافزون حاصل پذیرش طرح توطئه‌آمیز آتش‌بس است.

### **مفهوم آتش‌بس!**

اصولاً آتش‌بس چه معنایی دارد؟ چرا هر وقت مسلمانان و کشورهای پیاخاسته به موفقیت‌هایی دست می‌یابند و به پیروزی‌هایی می‌رسند دست‌های خائنان بکار

می‌افتد تا طرح تسلیم را به آنها تحمیل کنند. آتش‌بس یعنی عقب‌نشینی از بلندهای پیروزی. آتش‌بس یعنی پذیرش شکست. آتش‌بس یعنی قبول قدرت بلامنزاع دشمن. آتش‌بس یعنی اقرار به ناتوانی نیروهای خودی. آتش‌بس یعنی آغاز یک دوره طولانی ذلت و زبونی، خودباختگی...

### سرنوشت مردم مسلمان فلسطین

دولت سادات با پذیرش ذلت‌بار هویت رژیم صهیونیستی ضعف و خواری بیسابقه‌ای را بر مردم متعهد مصر و اعراب تحمیل کرد. ذلتی که هرگز جبران نخواهد شد. سادات با این خیانت، بخشی از صحرای سینا را از رژیم صهیونیستی بازپس گرفت. اردن نیز با سازش‌های آشکار و پنهان اجازه داد تا سفارت صهیونیسم در پایتخت این کشور خط مقدم دائر شود بدون آنکه نفعی عایدش شود. بلندبهای جولان بدلیل مقاومت مثال زدنی دولت سوریه، کماکان در اشغال رژیم صهیونیستی ماند. اما مردم مسلمان فلسطین هیچ محلی از اعراب در سازش برخی از سران عرب با اسرائیل نداشتند. رهبران سازش‌کار آنها که در «اسلو، مادرید، آمریکا بخش‌های اعظم شرافت و حیثیت خود را به تاراج داده بود روز به روز ذلیل‌تر و بین مردم خود منزوی‌تر می‌شدند. توافق نمی‌بند و زشت دولت خودگردان هیچگونه پایه و مایه و ضمانتی نداشت و اصولاً این توافقنامه به

لطیفه و جوک بیشتر شبیه بود در حالیکه تمامی راههای عزت و پایداری را سازشکاران بر روی ملت فلسطین بسته بودند، مردم مسلمان فلسطین که از «پیروزی حزب الله لبنان بر رژیم صهیونیستی» درس‌های لازم را گرفته بودند و متوجه شده بودند که شکست ناپذیری اسرائیل «افسانه استکبار» است دست بکار شدند و با هدایت رهبران خداجو و مبارز «با کمترین امکانات اولیه» نبرد خستگی‌ناپذیر را شروع کردند.

### طولانی شدن صف کشته‌ها

درست است که امروز که نزدیک به دو سال از انتفاضه «مسجد الاقصی» می‌گذرد صف شهدای فلسطینی طولانی شده است. هر روز جمع کثیری شهید و مجروح می‌شوند امکانات مادی مردم هر روز بیشتر از بین می‌رود. اما در عوض فلسطینی‌ها عزیزتر، آبرومندتر و مطرح‌تر شده‌اند. استکبار هر روز بیشتر شکست حیثیتی می‌خورد و در جبهه نبرد توان رودررویی با مردمی که از سلاح‌های فوق مدرن فقط تیر و کمان!! را دارد را ندارد. انتفاضه در این مدت به پیروزی‌های بسیاری رسیده است که عبارتند از:

### ۱- شکست اسرائیل

استکبار جهانی و در راس آنها «رژیم صهیونیستی» را با خطرناکترین سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌های اتمی، هسته‌ای،

هیدروژنی، شیمیایی، میکروبی... مجهز کرده بود تا کشورهای عرب هوس حمله به تل‌آویو را نداشته باشند. اما مردم مسلمان فلسطین نشان دادند که «اراده ملت‌های پیاخاسته از هر نوع سلاحی موثرتر است» اسرائیل برای نخستین بار طعم تلخ شکست از فلسطین را چشید. ارتش اسرائیل که خود را برای مقابله و جنگ با ارتش‌های عرب تجهیز کرده بود به شدت در برابر ملت فلسطین شکست خورد. روحیه ارتشیان اسرائیل هر روز ضعیف‌تر و فراریان از ارتش بیشتر می‌شود. این اولین نتایج افتخارآمیز «انتفاضه» است.

## ۲- مهاجرت معکوس

یهودیان سوداگر که به دعوت رژیم صهیونیستی به اسرائیل آمده بودند تا در فضای امنیتی ایجاد شده در سایه سلاح‌های مرگبار اسرائیل به تجارت بپردازند. اما مقاومت زیبا و حماسی جوانان فلسطینی «تئوری تفوق نظامی و حمله برق‌اسا» را با شکست کامل روبرو ساخت. آنها مجبور شدند فلسطین اشغالی را ترک کنند. این دومین نتایج «انتفاضه» است.

## ۳- پایان ترس

جوانان فلسطین با حرکت‌های شهادت طلبانه ریشه ترس را در نهاد خود نابود کردند. آنها با این عمل خود نشان دادند که هیچ سلاحی برنده‌تر و کارسازتر از «اراده انسان متعهد»

نیست. دیگر این مردم را نمی‌توان با انواع تانک‌های پیشرفته، هواپیماهای جنگنده F16، سلاح‌های ترونی و شیمیایی هلی‌کوپترهای آپاچی قوای تعلیم دیده، تک تیراندازان ماهر لودرهای مخرب حرث و نسل... ترساند. این سومین نتایج «انتفاضه مسجد الاقصی» است.

## ۴- جدی گرفته شدن

### فلسطینی‌ها در مذاکرات

پس از جدی شدن اثرات افتخارآمیز «انتفاضه» و دستپاچگی استکبار، تلاش در جهت به سازش کشاندن مقامات فلسطینی زیادتر شد. استکبار مجبور شده است که مردم فلسطین را باور کند. عرفات که یکروز با امتیاز دادن‌های فراوان به حکومت بر چند شهر و شهرک را در زیر سایه سلاح‌های اسرائیل بپذیرد اینک که نه دولت خودگردانی باقی مانده است و نه مردمش دیگر برای او احترام زیادی قائل هستند بالاجبار دیگر از دادن امتیاز جدید خودداری می‌کند این چهارمین نتایج انتفاضه است. هرچند استکبار در کوتاه مدت به دنبال جایگزینی شخص دیگری به جای عرفات است. این روزها از «ابومازن» عنصر سازشکار که مورد حمایت «اسرائیل و آمریکا» است. اما این راه حل مساله «انتفاضه» نیست. بلکه پاک کردن صورت مساله است. چه عرفات و چه ابومازن و چه هر عنصر فلسطینی که سازشکار بخواهد از انتفاضه بعنوان پل برای عبور اسرائیل استفاده کند از



قبل شکست خواهد خورد. در این مساله هیچگونه تردیدی وجود ندارد.

## ۵- تنها راه حل بحران فلسطین

مشکل فلسطین یک راه حل بیشتر ندارد آن هم «ادامه انتفاضه» است. همه عقلای عالم می‌دانند که هیچکس در مذاکره چیزی عایدش نمی‌شود. چیزی که «بنیانگزار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، در طول تاریخ نشان دادند از آغاز مبارزه در سال ۴۱ که امام خمینی پرچم مبارزه را بر دوش گرفتند بسیاری از غیر خودی‌ها در لباس خودی ایشان را از قدرت رژیم خواستند بترسانند و آقا را به سازش وادارند اما موفق نشدند. ایشان را متهم به مرتجع کردند. بیهوده بود. معظم له را مرتبط با خوانین سونی کردند هیچکس باور نکرد. قصد رژیم شکست مقاومت امام بود. اما امام فرمودند:

ما که می‌گوئیم که مطبوعات آزاد باشند، ما کهنه پرستیم؟! آقایان که الزام می‌کنند که در مطبوعات «این مطلب باید نوشته بشود» آنها مترقی‌اند خوب ما صدایمان از این بلندگو تا آنجا می‌رسد آنها صدایشان از اینجا تا آمریکا می‌رسد. هر جا دلار می‌گیرند صدایشان هم آنجا می‌رسد.<sup>۱</sup>

در جای دیگر در مورد ضرورت مبارزه بی‌امان و نداشتن ترس از رژیم شاه فرمودند:

اگر ما برای مقصد اسلامی برای مقصدی که انبیاء خودشان را به آب و آتش زدند، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، علمای بزرگ اسلام را آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبس‌های طولانی کردند. اگر چنانچه برای مقاصد اسلام بترسیم دین نداریم.<sup>۲</sup>

در مورد پیمان شاه با اسرائیل و مخالفت مردم مسلمان ایران با اسرائیل فرمودند: ای مردم، ای عالم بدانید ملت ما مخالف است با پیمان اسرائیل این ملت ما نیست. این روحانیت، نیست. دین ما اقتضا می‌کند که با دشمن اسلام موافقت نکنیم.<sup>۳</sup>

در مورد ضرورت مبارزه با استکبار فرمودند: سکوت را مقابل خطرهایی که پیش‌بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم است پیشوای ما حضرت امیرالمومنین علیه السلام سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی‌دانست ما نیز جایز نمی‌دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است. ارشاد دولت‌هاست. ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی‌کنیم. سکوت در مقابل ستمکاری اعانت به ستمکاران است.<sup>۴</sup>

امام را متهم کردند، زندان کردند، تبعید کردند اما نتوانستند زبان گویای اسلام را زندان کنند. و در سال ۵۷ که مبارزات خونبار ملت، تمامی پایگاههای رژیم شاه را به تسخیر درآورده بود عده‌ای آگاه و جمعی نیز ناخودآگاه امام را می‌خواستند به سازش در

برابر رژیم وادار کنند. طبق معمول این حرکت‌های مذبحخانه بی‌نتیجه بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌ها، استکبار برای وادار کردن امام به سازش فعال بود. در برابر دادگاههای انقلاب، در برابر گروهکهای مسلح، در برابر خوانین و زیخواران، در برابر فعالیت‌های براندازی سازشکاران در برابر فعالیت‌های خطرناک سفارتخانه‌ها... و از همه مهمتر در برابر تهاجمات ارتش بعث عراق.

بسیاری از راه دلسوزی وارد شدند. اما پاسخ امام به همه این عوامل و عناصر و نیروها طبق معمول منفی بود. امام را می‌خواستند حداقل در برابر مساله فلسطین وادار به سکوت کنند اما بارها امام خواستار نابودی رژیم صهیونیستی شدند و فرمودند:

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. این تصویری از تحلیل دقیق حضرت امام خمینی از اهداف استکبار از تشکیل رژیم صهیونیستی است. امام را هیچکس و هیچ حادثه‌ای نتوانست به سازش وادار کند. امام با عزت زندگی کرد و در نهایت عزت بدرود حیات گفت. سازشکاری ذلت دنیا و آخرت را در پی دارد.

راهی جز مبارزه فراروی مردم مبارز فلسطین نیست. انتفاضه مسجد الاقصی نشان داد که تنها راه پیروزی بر استکبار جهانی مبارزه بی‌امان است. این راه به پیروزی قطعی می‌انجامد.

از طرفی مماشات و مذاکره با قدرت‌های استکباری حاصلی دربر ندارد. اصولاً استکبار کشورهای جهان سوم را عملاً به رسمیت نمی‌شناسند تا بخواهند به آنها امتیازی بدهند. آخر چطور می‌شود ملتی که خانه و کاشانه‌اش و وطن و میهنش و حتی مساجدش به اشغال دشمن درآمده است را وادار به سازش کرد. مذاکره در فرهنگ استکبار و رژیم صهیونیستی بمعنی سازش و سکوت است.

کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که انسان بر اثر اشتباه کاری‌هایش امکانات خود را در دست دشمنان قسم خورده‌اش ببیند و امروز با الحاح و التماس و چانه‌زنی و مذاکره بخواهد پس بگیرد. مگر استکبار با سازش و مذاکره سرزمین‌های اشغالی را به تصرف درآورده است تا بخواهد با مذاکره پس دهد. استکبار با اسلحه سرزمین‌های فلسطینی را تصرف کرده است. بنابراین تنها با راه حل نظامی می‌توان سرزمین‌های مقدس را از دست آنها خارج کرد.

حمایت معنوی جمهوری اسلامی از انتفاضه فلسطین جدی و دائمی است. ما بارها در مذاکرات خصوصی با فلسطینی‌ها بی‌نتیجه بودن مذاکرات را گوشزد کرده‌ایم. در ابتدا آنها نمی‌پذیرفتند ولی بدنبال خشونت‌های وحشتناک رژیم صهیونیستی و حمایت‌های بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل بیشتر پی

به تجزیه و تحلیل ما برده‌اند و به نظر صائب حضرت امام خمینی رسیده‌اند.

هر چند حاصل مبارزات خونبار فلسطینی‌ها با سازشکاری بعضی از رهبران سازشکار فلسطین پایمال شده است اما امروز انتفاضه مسجد الاقصی راه هرگونه سازشی را بسته است. امروز مردم فلسطین خود به این تحلیل

دقیق رسیده‌اند که رهبران واقعی فلسطین رهبرانی هستند که آنها را به پایداری دعوت می‌کنند آنها نیاز به سلاح کشورهای اسلامی ندارند بلکه دوست دارند که هیچکس در

مبارزات آنها با رژیم صهیونیستی اختلال ایجاد نکند. همین.

گر مرد رهی میان خون باید رفت  
از پای فتاده سرنگون باید رفت  
تو پای به راه در نه و هیچ مه‌رس  
خود راه بگویدت که چون باید رفت

پی نوشت :

- ۱- صحیفه نور ج ۱ ص ۷۲
- ۲- صحیفه نور ج ۱ ص ۷۲
- ۳- صحیفه نور ج ۱ ص ۷۷
- ۴- صحیفه نور ج ۱ ص ۸۵

